

تحلیل محتوای کمی و بررسی استناد منقولات روایی و غیرروایی کتاب مصباح الشریعه

علی اصغر محمدی^۱، کاووس روحی برندق^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱/۲۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۸/۲۶)

چکیده

مصباح‌الشریعه و مفتاح‌الحقیقه کتابی است حدیثی با محتوای عرفانی و اخلاقی که برای اولین بار از سوی ابن طاووس معرفی شده است. نگارنده این کتاب هیچ‌گاه مشخص نبوده است. بر این اساس در پژوهش حاضر، با روش تحلیل محتوای کمی و کیفی، عرضه محتوای کتاب به منابع اصیل روایی و تاریخی و عرفانی صورت گرفته تا میزان اعتبار استنادهای آن به دست آید. یافته‌های مبتنی بر این روش نشان می‌دهد از صد حدیث ابتدای باب‌ها هیچ‌یک در منابع دیگر وجود ندارد و مصباح در نقل آن‌ها متفرد است؛ از احادیث متن باب‌ها ۶۸ مورد قابل ردیابی، در منابع دیگر بوده و ۴۵ مورد وجود ندارد؛ و از منقولات غیرمعصومان نیز ۱۲ مورد در منابع دیگر وجود داشته، اما ۱۵ مورد دیگر در کتاب دیگری نیامده است؛ و در مجموع ۶۷ درصد از کل منقولات کتاب در آثار دیگر وجود ندارد. علاوه بر این، در انتساب یک قول به افراد، میان مصباح با سایر کتب اختلافات چشم‌گیری قابل مشاهده است.

کلید واژه‌ها: انتساب روایت، تحلیل کمی، تحلیل محتوایی، کتاب‌های امامان، مصباح‌الشریعه.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث، استادیار مدعو گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی

Email: ghore mohajal@gmail.com

(نویسنده مسئول)؛

Email: k.roohi@modares.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس؛

۱. مقدمه

مصباح‌الشریعه و مفتاح‌الحقیقه کتابی است، حدیثی با محتوای عرفانی و اخلاقی که ظاهراً برای اولین بار از سوی سیدبن‌طاووس به عالم اسلام معرفی شده است [۵، ص ۹۱ و ۹۲]. نویسنده این کتاب هیچ‌گاه مشخص نبوده و بحث درباره نویسنده آن، همواره معرکه آرای بزرگان در قرون بعدی تا زمان ما بوده است؛ اما به جهت آنکه کلیه ابواب این کتاب با عبارت «قال الصادق» آغاز می‌شود، به عنوان یکی از کتب منسوب به امام صادق^(ع) شناخته می‌شود. درستی چنین انتسابی توسط برخی پذیرفته و توسط برخی دیگر مورد نقد قرار گرفته است. محمدباقر مجلسی [۳۳، ج ۱، ص ۳۲] و شیخ حر عاملی [۱۵، ج ۸، ص ۵۵۰]، از جمله بزرگانی هستند که انتساب این کتاب به امام صادق^(ع) را مردود می‌دانند. همچنین از بزرگان، عارفان متأخر امام خمینی باوجود آنکه از روایات این کتاب - از باب تسامح در ادله سنن - در کتب عرفانی و اخلاقی خود استفاده کرده، اما انتساب قطعی آن را به امام نمی‌پذیرد [۱۷، ج ۱، ص ۴۸۱]. همچنین از محققین معاصر، دکتر احمد پاکتچی، بحثی مفصل در بازشناسی صاحب این کتاب کرده و در نهایت آن را منتسب به یکی از صوفیان خراسان مربوط به قرن هفتم می‌داند [۱۲، ص ۱۲۳]. در مقابل بزرگانی همچون: شهید ثانی [برای نمونه: ۲۶، ص ۱۷۱ و ۱۹۳]؛ سیدهاشم بحرانی [۱۰، ج ۱، ص ۴۲]؛ فیض کاشانی [۲۹، ج ۱، ص ۶۸ و ۱۰۷] و میرزا حسین نوری [۳۵، ج ۱، ص ۲۱۴] انتساب روایات این کتاب را به امام پذیرفته و از روایات آن به فراوانی در آثار خود استفاده کرده‌اند. میرزای نوری در بحث مفصلی که در خاتمه کتاب مستدرک‌الوسائل دارد، ضمن دفاع از انتساب این کتاب به امام صادق^(ع) و سعی در پاسخ به شبهات موجود درباره آن، معتقد است که فضیل‌بن‌عیاض، روایات مربوط به آن را جمع‌آوری کرده است [۳۵، ج ۱، ص ۲۱۴]. بررسی محتوایی این کتاب بر اساس تحلیل مقایسه‌ای آن با آثار صوفیه، قرائن و علائم فراوانی را آشکار می‌کند که نشان می‌دهد این کتاب شباهت چشم‌گیری به آثار و مواریث صوفیه دارد. یادکرد از عارفان و شخصیت‌های مورد توجه صوفیه، به‌کارگیری اصطلاحات ویژه ادبیات صوفیانه، ساختار و سبک نگارش صوفیانه کتاب از جمله این قرائن و علائم‌اند. این کتاب در برهه‌های مختلف تاریخی مورد توجه عارفان و صوفیان بوده و به‌دست برخی از ایشان، شروحو بر آن نگاشته شده است. به‌دلیل وجود چنین ادبیات صوفیانه‌ای است که برخی علمای بزرگ همچون، علامه مجلسی این سخنان را منتسب به یکی از شخصیت‌های مهم و مورد توجه صوفیه به نام شقیق بلخی می‌دانند [۳۴، ص ۶-۵].

۲. پیشینه تحقیق

بررسی درستی یا نادرستی استنادات نویسنده این کتاب در انتساب احادیث و اقوال مختلف به معصومان و غیر معصومان از بهترین شیوه‌هایی است که می‌تواند داوری ما را در مورد میزان اعتبار این کتاب بیش از پیش مقرون به صحت کند. این مسئله تاکنون هیچ‌گاه در داوری‌های دانشمندان در مورد این کتاب مورد توجه نبوده و آنچه مورد توجه بوده، استناد یا عدم استناد در مورد کلیت کتاب بوده و تحقیقی که محتوای کتاب را مورد تحلیل محتوایی کمی قرار داده و به آثار دیگر عرضه نماید، انجام نشده است. پژوهش حاضر با روش اسنادی و تحلیل محتوای کمی درصدد ارزیابی میزان صحت انتساب اقوال در این کتاب است.

۳. مبانی روش‌شناختی تحقیق

پژوهش حاضر مبتنی بر اصول و مبانی ویژه‌ای است که لازم است به‌طور مستقل مورد اشاره قرار گیرد که در چند بخش به بررسی این اصول روش‌شناختی می‌پردازیم:

۱.۳. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش تلفیقی (اسنادی - تحلیل محتوای کمی) است؛ در بُعد اسنادی^۱ مطالعه جزء به جزء کتاب و مقایسه آن با سایر متون و فیش‌برداری و تهیه فرم‌ها و... انجام گرفته است [۱۴، ص ۱۶۴-۱۷۲]؛ و در بعد تحلیل محتوای کمی^۲، بر اساس روش‌های آماری مبتنی بر ارزش‌های عددی، به توصیف نظام‌مند و تکرارپذیر محتوای کتاب پرداخته شده است [۱۸، ص ۲۵]. در پژوهش حاضر، متن کتاب به مقولات و داده‌های مختلف آن تجزیه شده و سپس با شمارش انواع اجزاء، یافته‌های مختلف تحقیق به‌دست آمده است [۲۰، ص ۱۱۲]؛ تلاش بر این بوده تا ابتدا تمام متن مصباح‌الشریعه به اجزای مختلف محتوایی آن تقسیم شده و کلیه این داده‌ها، یک‌به‌یک در میان منابع حدیثی و تفسیری و تاریخی متقدم و متأخر که قریب به ده‌هزار کتاب را شامل می‌شود، جستجو شده و نتایج حاصل شده، مورد تحلیل قرار گیرد. این روش در کل مجموعه به‌صورت یکنواخت اجرا شده و الگوی آن به لحاظ پایایی قابل اجرا در متون هم‌شکل است [۳۲، ص ۱۹۸].

1. documentary research.

2. content quantitative analysis.

۲.۳. جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری این تحقیق، کل کتاب مصباح‌الشریعه است که با در نظر گرفتن بخش‌های اصیل آن، مشتمل بر ۲۱۳ حدیث از معصومان و ۲۷ نقل قول از غیر معصومان است. به لحاظ آن‌که در تحقیق حاضر از نمونه‌گیری برای تحلیل مضمون و در نتیجه، تعمیم نتایج به کل متن استفاده نشده و تمام اجزای کتاب مورد بررسی قرار گرفته، احتمال خطای علمی در آن صفر است؛ اما با در نظر گرفتن احتمال خطای انسانی، حداکثر احتمال خطا در این تحقیق دو درصد است.

۳.۳. مقوله‌ها، رده‌ها و واحدهای تحقیق

مقوله‌های موجود در کتاب مصباح‌الشریعه بر اساس روش آزمون و خطا طبقه‌بندی شده است. این روش در کنار دیگر استانداردها در روش‌های طبقه‌بندی مقوله‌های تحقیق، از شیوه‌های متداول در طبقه‌بندی مقوله‌ها است که در آن، مقوله‌های مختلف با مطالعه متن و در ضمن تحقیق کامل می‌شود [۳۶، ص ۱۶۱]. بر این اساس مقوله‌های تحقیق مطابق جدول شماره ۱ قابل طرح است.

جدول شماره ۱. فهرست مقوله‌ها

ردیف	نوع مقوله
۱	تعداد موارد مستند و غیر مستند از احادیث ابتدای ابواب که با «قال الصادق» آغاز می‌شود.
۲	تعداد موارد مستند و غیر مستند از احادیث متن باب‌ها (غیر از دسته اول)
۳	تعداد موارد مستند و غیر مستند از سخنان غیر معصومان در متن کتاب

در مورد مقوله‌های بالا نکاتی قابل ذکر است:

۱. کلیه ابواب مصباح‌الشریعه با عبارت «قال الصادق» آغاز می‌شود. مقوله اول، به انتساب این ابواب اشاره دارد. نسخه‌های خطی موجود از مصباح‌الشریعه نشان می‌دهد، تعداد ابواب این کتاب صد باب است. ابواب مصباح بر اساس نسخه آمبروزیانا ۹۹ باب است؛ اما در تمامی نسخه‌های دیگر تعداد ابواب را ۱۰۰ باب نام می‌برند. مقایسه ابواب نشان می‌دهد که بابتی به نام «النیه» که در تمامی نسخه‌ها بدون اختلاف، باب چهارم به آن اختصاص دارد، در نسخه آمبروزیانا نیامده است؛ بنابراین باوجود این باب، ابواب

صدگانه این نسخه‌ها کامل می‌شود. البته به جهت مفقود شدن صفحات آغازین نسخه سپهسالار، از وجود یا عدم وجود این باب در این نسخه اطلاعی نداریم.

اختلاف‌های ابواب نسخه‌ها به این نکته ختم نمی‌شود؛ مرحوم مصطفوی در فهرست خود برای مصباح، عدد ۷۲ را دو بار تکرار می‌کند و اولی را به نام «برالوالدین» و دومی را به نام «الموعظه» می‌آورد؛ بنابراین اگر تکرار اعداد را در نظر بگیریم، ابواب کتاب به ۱۰۱ باب رسیده است، حال آنکه غیر از نسخه آمبروزیانا که تعداد ابواب در آن ۹۹ باب است، همه نسخه‌های دیگر، بر ۱۰۰ باب بودن مصباح اتفاق نظر دارند. میرزای نوری معتقد است که باب معرفه‌الصحابه (باب ۶۸) جزء کتاب نیست و از اضافات مخالفان شیعه در این کتاب است [۳۵، ج ۱، ص ۲۱۰]. به نظر می‌رسد بایی که از ابواب مصباح نبوده و بعدها به آن افزوده شده است، بایی است به نام «معرفه‌الائمه» که پس از باب معرفه‌الانبیاء و قبل از باب معرفه‌الصحابه قرار گرفته است. این باب در بسیاری از نسخه‌ها از جمله در نسخه آمبروزیانا موجود نیست. علاوه بر آنچه با مقایسه نسخه‌ها در این مورد گفته شد، با بررسی دقیق‌تر محتوای این دو باب و خصوصیات کتاب می‌توان با دلایل متعددی اصالت باب معرفه‌الصحابه و اضافه بودن باب معرفه‌الائمه را اثبات نمود.

مجلسی حدیث مربوط به معرفه‌الائمه که از سلمان فارسی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده را به نقل از مصباح نمی‌آورد. وی این حدیث را از کتاب المحتضر با سند مستقل آن نقل می‌کند، حال آنکه وی اکثر آنچه در مصباح الشریعه هست را در بحارالانوار آورده است [۳۳، ج ۵۳، ص ۱۴۲].

همچنین نور علی شاه در کتاب جنات الوصال^۱ ضمن ذکر ابواب مصباح در کتاب، هر باب را با عنوان «لمعه» می‌آورد. همه ابواب در این کتاب مطابق نسخ مصباح است، اما نکته قابل توجه در این نسخه آن است که بایی به شماره صد و یک (لمعه الحادی و المئه) تحت عنوان «الصدقه» می‌آورد که در میان نسخ دیگر وجود ندارد. این باب به این صورت آغاز می‌شود: «روی عن النبی (ص) انه سئل ابلیس عن الصدقه ...» همان‌طور که می‌دانیم ابواب مصباح الشریعه با الفاظی همچون «روی» آغاز نمی‌شود و همگی سخن صاحب کتاب است؛

۱. این کتاب نوشته نورعلی شاه محمدعلی بن میرزا عبدالحسین بن محمدعلی رقی طوسی (۱۳۱۲ ق) است. نسخه خطی این کتاب به سال ۱۲۵۹ کتابت شده و به شماره ۹۱۳ در نسخ خطی کتابخانه مجلس موجود است. وی مصباح الشریعه را در صفحات ۲۸۴ تا ۳۷۷ می‌آورد و سپس شرح منظومی از آن‌ها ارائه می‌دهد.

بنابراین بی‌شک چنین بایی از اضافات مصباح‌الشریعه در جنات الوصال است. بر این اساس باید بر اساس نسخه‌های اصیل کتاب، تعداد ابواب کتاب را صد باب بدانیم.

۲. علاوه بر تمام ابواب صدگانه مصباح‌الشریعه که به امام صادق^(ع) منتسب شده است، در متن ابواب نیز به مواردی برمی‌خوریم که به معصومان منسوب شده‌اند. این موارد مشتمل بر ۱۱۳ حدیث است که ۷۵ درصد آن (۸۴ روایت) از پیامبر^(ص) و مابقی از امام علی و امام سجاد و امام باقر و امام صادق^(ع) و برخی از پیامبران (به‌صورت مستقیم) نقل شده است.

۳. در متن مصباح‌الشریعه به اقوالی برمی‌خوریم که به اصحاب و صوفیه و عارفان منتسب شده است. این موارد مشتمل بر ۲۷ نقل قول است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش بر اساس تحلیل اسنادی و تحلیل محتوای کمی که در مورد مقوله‌های مختلف موجود در مصباح‌الشریعه انجام شد به شرح ذیل قابل اشاره است.

۴.۱. استناد انتساب مقولات ابتدای ابواب

همان‌طور که اشاره شد تعداد این مقولات صد مورد است که جستجوی آن‌ها در منابع حدیثی پیش از مصباح‌الشریعه، در هیچ موردی مستندی را نشان نمی‌دهد. تنها مورد از مواردی که بر اساس نسخ منتشرشده کتاب در منابع دیگر قابل ردیابی است، حدیثی است که در باب معرفه‌الائمہ توسط امام صادق^(ع) از سلمان فارسی روایت می‌شود [۱۳، ص ۶۳]؛ اما مطابق بحثی که پیش از این مطرح شد، باید بگوییم این باب از ابواب اصیل مصباح نبوده و به آن اضافه شده است؛ بنابراین باید معتقد بود هیچ‌یک از روایات این بخش در منابع متقدم نیست و تمامی منابع متأخر نیز آن‌ها را از مصباح نقل کرده‌اند. جدول شماره ۲ نشان‌گر این آمار است.

جدول شماره ۲. فهرست موارد استناد مقولات ابتدای ابواب

تعداد	مستند	غیر مستند
۱۰۰	۰ (۰٪)	۱۰۰ (۱۰۰٪)

۲.۴. استناد حدیث‌های متن ابواب

در متن مصباح الشریعه ۱۱۳ حدیث ذکر شده است. با بررسی استناد این روایات، تعداد ۶۸ روایت در منابع حدیثی و عرفانی و تاریخی و فقهی و تفسیری یافت شد، به نحوی که می‌توان معتقد بود به‌طور مستقل از مصباح روایت شده‌اند. از مجموع این ۶۸ روایت، شش روایت از امیرالمؤمنین^(ع) و چهار روایت از عیسی بن مریم^(ع)، یک روایت از امام صادق^(ع) و یک روایت از نوح^(ع) و یک روایت از موسی بن عمران^(ع) و یک روایت از امام سجاد^(ع) و یک روایت از حضرت داود^(ع) و مابقی روایات از پیامبر اکرم^(ص) روایت شده است.^۱

در طرفی دیگر ۴۵ حدیث از موارد ۱۱۳ گانه نیز در هیچ سندی از شیعه و سنی یافت نشد. این ۴۵ روایت عبارت‌اند از:

۱. لقول الرسول^(ص): مثل المؤمن المخلص (الخالص) كمثل الماء [۱۳، ص ۴۴].
۲. قال رسول الله^(ص): قال الله عز و جل ما أطلع على قلب عبد فأعلم فيه حب الاخلاص لطاعتي، لوجهي و ابتغاء مرضاتي إلا توليت تقويمه و سياسته و تقربت منه و من اشتغل في صلاته بغيري فهو من المستهزئين بنفسه، اسمه مكتوب في ديوان الخاسرين [۱۳، ص ۶۶].
۳. و سئل رسول الله^(ص) عن اسم الله الاعظم؟ فقال كل اسم من أسماء الله أعظم [۱۳، ص ۷۸].
۴. قال الصادق^(ع) لقد دعوت الله مره فاستجاب لي و نسيت الحاجه [۱۳، ص ۸۰].
۵. قال علي بن الحسين^(ع): عجت لطالب فضيله تارك فريضه [۱۳، ص ۱۱۱].
۶. قال رسول الله^(ص): كفى بالموت واعظا و بالعقل دليلا و بالتقوى زادا و بالعباده شغلا و بالله مونسا و بالقرآن بيانا [۱۳، ص ۱۱۳].
۷. قال بعض أهل البيت لو كانت الدنيا بأجمعها لقمه في فم طفل لرحمناه [۱۳، ص ۱۳۶].
۸. قال رسول الله^(ص) لما خلق الله الدنيا أمرها بطاعته فأطاعت ربه، فقال لها خالفي من طلبك و وافقي من خالفك، فهي على ما عهد الله اليها و طبعها عليها (بها) [۱۳، ص ۱۳۶].
۹. قال رسول الله^(ص) المعتبر في الدنيا عيشه فيها كعيش النائم يراها و لا يمسه [۱۳، ص ۱۴۵].
۱۰. و قال النبي^(ص): المنافق اذا وعد أخلف و اذا فعل أفسى (اساء) و اذا قال كذب و اذا ائتمن خان و اذا رزق طاش و اذا منع غاش [۱۳، ص ۱۵۷].
۱۱. قال النبي^(ص) ايضا: من خالفت سريره علانيته فهو منافق، كائنا من كان و حيث

۱. ضمیمه این مقاله که در اختیار دفتر مجله قرار گرفته، مشتمل بر این روایات و مستندات آن‌ها در منابع شیعه و سنی است.

- كان و فى أى زمان كان و على اى رتبه كان [١٣، ص ١٥٧].
١٢. قال داود^(ع): ترك لقمه مع الضروره اليها أحب الى من قيام عشرين ليله [١٣، ص ١٧١].
١٣. قال النبى^(ص): ويل للناس من القبقيين، قيل و ما هما يا رسول الله؟ قال: البطن و الفرج [١٣، ص ١٧١].
١٤. قال عيسى بن مريم^(ع): ما أمرض قلب بأشد من القسوه و ما اعتلت نفس بأصعب من بغض - الجوع [١٣، ص ١٧١].
١٥. سئل اميرالمؤمنين^(ع) بما ذا يستعان على غض البصر؟ فقال بالخمود تحت سلطان المطلع على سرک و العين جاسوس القلب و بريد العقل، فغض بصرک عما لا يليق بدينک و يكرهه قلبک و ينكره عقلک [١٣، ص ١٧٣].
١٦. قال النبى^(ص): غضوا أبصاركم ترون العجائب [١٣، ص ١٧٣].
١٧. قال عيسى بن مريم^(ع) للحواريين: اياكم و النظر الى المحذورات (المخدورات) فإنها بذر الشهوات و نبات الفسق [١٣، ص ١٧٣].
١٨. قال يحيى بن زكريا^(ع): الموت أحب الى من نظره بغير واجب [١٣، ص ١٧٤].
١٩. روى ان رجلا قال للحسين بن على بن ابى طالب^(ع): اجلس حتى نتناظر فى الدين؟ فقال: يا هذا انا بصير بدينى مكشوف على هداى، فان كنت جاهلا بدينک فاذهب فاطلبه! مالى و للمماراه [١٣، ص ١٩٩].
٢٠. قال النبى^(ص): السخى بما ملك (يملك) و أراد به وجه الله و اما المتسخى فى معصيته الله فحمل سخط الله و غضبه و هو أبخل الناس لنفسه فكيف لغيره [١٣، ص ٢٢١].
٢١. يقول الله: ابن آدم ملكى ملكى و مالى مالى، يا مسكين أين كنت حيث كان الملك و لم تكن و هل لك الا ما أكلت فأفانيت أو لبست فأبليت أو تصدقت فأبقيت [١٣، ص ٢٢٢].
٢٢. قال اميرالمؤمنين على^(ع) ما قدمت فهو للمالكين و ما أخرت فهو للوارثين.
٢٣. قال النبى^(ص): مثل المؤمن كمثل الارض منافعهم منها و أذاهم عليها [١٣، ص ٢٣٩].
٢٤. قال رسول الله^(ص): بعثت للحلم مركزا (مركبا) و للعلم معدنا و للصبر مسكنا [١٣، ص ٢٣٩].
٢٥. قال النبى^(ص): فى القلب (فى القلوب) نور لا يضىء الا من اتباع الحق و قصد السبيل و هو من نور الأنبياء مودع فى قلوب - المؤمنين [١٣، ص ٢٤٨].
٢٦. قال رسول الله^(ص): حاتم زماننا حسن الخلق؛ و الخلق الحسن أطف شىء فى الدين و أثقل شىء فى الميزان و سوء الخلق يفسد العمل كما يفسد الخل العسل و ان ارتقى فى الدرجات فمصييره الى الهوان [١٣، ص ٢٥٥].
٢٧. قال رسول الله^(ص): حسن الخلق شجره فى الجنه و صاحبه متعلق بغصنها يجذبه اليها و

- سوء الخلق شجرة فی النار و صاحبه متعلق بغصنها یجذبه اليها [۱۳، ص ۲۵۵ و ۲۵۶].
۲۸. قال عیسی بن مریم^(ع): رأیت حجرا مكتوبا عليه (عليه مكتوب) اقلبني! فقلبتہ، فاذا علی باطنه (عليه من باطنه) مكتوب: من لا يعمل بما يعلم مشوم عليه طلب ما يعلم و مردود عليه ما علم. أوحى الله تعالى الى داود^(ع): ان أهون ما أنا صانع بعالم غير عامل بعلمه أشد من سبعين عقوبه باطنيه أن اخرج من قلبه حلوه ذكرى [۱۳، ص ۲۶۰].
۲۹. قال النبي^(ص): و ذلك لربما و لعل و لعسى، لان الفتيا عظيمة [۱۳، ص ۲۶۶].
۳۰. قال عیسی بن مریم^(ع) أشقى الناس من هو معروف بعلمه مجهول بعمله [۱۳، ص ۲۷۵].
۳۱. قال النبي^(ص): لا تجلسوا عند كل داع (داع مدع) يدعوكم من اليقين الى الشك و من الاخلاص الى الرياء و من التواضع الى الكبر و من النصيحة الى العداوه و من الزهد الى الرغبة و تقربوا من (الى) عالم يدعوكم من الكبر الى التواضع و من الرياء الى الاخلاص و من الشك الى اليقين و من الرغبة الى الزهد و من العداوه الى النصيحة [۱۳، ص ۲۷۸].
۳۲. قال النبي^(ص): ان من اجلال الله تعالى اعظام ذوى القربى (ذى القربى) فى الايمان [۱۳، ص ۳۰۸].
۳۳. روى ان رجلا استوصى رسول الله^(ص)؟ فقال: لا تغضب قط، فان فيه منازعه ربك. فقال زدني؟ فقال: اياك و ما تعتذر منه، فان فيه الشرك الخفى. فقال زدني؟ فقال: صل صلاه مودع، فان فيه الوصله و القربى. فقال زدني؟ فقال: استحى من الله استحياءك من صالحى جيرانك، فان فيها زياده اليقين [۱۳، ص ۳۲۱].
۳۴. قال اميرالمؤمنين على^(ع): الصدق سيف الله فى أرضه و سمائه أينما هوى به (أهوى) يقده (نفذ) [۱۳، ص ۳۲۶].
۳۵. روى أن بعض المتوكلين قدم على بعض الاثمه^(ع) فقال له (له رضى الله عنك): اعطف على بجواب مسئله فى التوكل؟ و الامام كان يعرف الرجل بحسن التوكل و نفيس الورع و أشرف على صدقه فيما سأل عنه من قبل ابدائه اياه، فقال له قف مكانك (أوط مكانك) و أنظرنى... [۱۳، ص ۳۳۲].
۳۶. قال النبي^(ص): من أصبح و همته غير الله فقد أصبح من الخاسرين المبعدين [۱۳، ص ۳۴۸].
۳۷. روى أن يحيى بن ذكريا على نبينا و عليه السلام كان يفكر فى طول الليل فى أمر الجنة و النار، فيسهر ليلته و لا يأخذ النوم، ثم يقول عند الصباح: اللهم أين المفر و أين المستقر! اللهم الا اليك (اللهم اليك) [۱۳، ص ۳۷۸].
۳۸. قال النبي^(ص): أحسنوا ظنونكم باخوانكم تغتموا بها صفاء القلب و نقاء الطبع [۱۳، ص ۳۸۰].

۳۹. قال رسول الله^(ص): يحكى عن ربه: أنا عند حسن ظن عبدى بى، يا محمد فمن زاغ عن وفاء حقيقه موجبات ظنه بربه فقد أعظم الحجه على نفسه و كان من المخدوعين فى أسر هواه [۱۳، ص ۳۸۲].
۴۰. قال رسول الله^(ص) (النبي^ص): المؤمن بين خوفين خوف ما مضى و خوف ما بقى [۱۳، ص ۳۹۸].
۴۱. سمعت أبى محمدا الباقر^(ع) يقول: تعلق القلب بالموجود شرك و بالمفقود كفر و هما خارجان عن سنه الرضا [۱۳، ص ۴۰۵].
۴۲. قال أيوب فى دعائه: اللهم قد أتى على سبعون فى الرخاء حتى تأتى على (و أتى على) سبعون فى البلاء [۱۳، ص ۴۱۱].
۴۳. قال رسول الله^(ص): إذا أراد الله بعبد خيرا ألهاه عن محاسنه و جعل مساويه بين عينيه و كرهه مجالسه المعرضين عن ذكر الله [۱۳، ص ۴۲۷].
۴۴. قال اميرالمؤمنين^(ع): الصادق لا يراه أحد الا هابه [۱۳، ص ۴۳۰].
۴۵. و قال اميرالمؤمنين^(ع): حب الله نار لا يمر (لا تمر) على شىء الا احترق و نور الله لا يطلع على شىء الا أضاء و سماء (سحاب) الله ما ظهر من تحته شىء (من شىء) الا غطاه (أعطاه الفيض) و ريح الله ما تهب فى شىء الا حركته و ماء الله يحيى به كل شىء و أرض الله ينبت منها كل شىء، فمن أحب الله (أحبه الله) أعطاه كل شىء من الملك و الملكوت (و المال) [۱۳، ص ۴۳۸].
۴۶. قال النبي^(ص): إذا أحب الله عبدا من امتى قذف فى قلوب أصفياؤه و أرواح ملائكته و سكان عرشه محبته ليحبه، فذلك المحب حقا (المحبوب حقا) طوبى له ثم طوبى له و له عند الله شفاعه يوم القيامة [۱۳، ص ۴۳۸].
۴۷. قال النبي^(ص): أفضل الناس بعد النبيين^(ص) فى الدنيا و الآخرة المحبون لله المتحابون فيه [۱۳، ص ۴۴۱].
۴۸. و قال اميرالمؤمنين^(ع) ان أطيب شىء فى الجنه و أذنه حب الله و الحب فى الله و الحمد لله [۱۳، ص ۴۴۳].
- از اين تعداد روایت، پنج مورد از حضرت علی^(ع)، چهار مورد از حضرت عیسی^(ع)، دو مورد از امام سجاد^(ع) و دو مورد از حضرت عیسی^(ع) و یک مورد از امام باقر^(ع) و یک مورد از امام صادق^(ع) و یک مورد از حضرت ایوب^(ع) و یک مورد بدون ناقل و مابقی موارد از پیامبر^(ص) روایت شده است.

همان‌طور که می‌بینیم این روایات در ۴۸ شماره لیست شده است که با توجه به آنچه گفته شد، شش روایت دو وجهی هستند؛ یعنی بخشی از آن‌ها مستند و بخشی دیگر غیر مستند است، لذا این شش روایت هم در بخش روایات مستند و هم در این بخش آورده شده است. این شش روایت در شماره‌های ۶ و ۱۰ و ۲۶ و ۳۳ و ۳۹ و ۴۶ هستند. آمار روایات این بخش به‌طور خلاصه در جدول شماره ۳ می‌آید.

جدول شماره ۳. فهرست موارد استناد احادیث متن ابواب

تعداد	مستند	غیر مستند
۱۱۳	۶۸ (۶۰٪)	(۴۰٪)

۵. استناد اقوال غیر معصومان در متن کتاب

با شمارش اقوال غیر معصومین اعم از صحابه و عارفان و صوفیه در متن مصباح، ۲۷ مورد از این موارد را می‌یابیم که از این میان ۱۲ مورد مستند بوده و در منابع آمده است. این موارد به شرح ذیل هستند.

۱. سئل بعض اصحاب ابي ذر أهل داره عنه؟ فقالت: خرج. فقال: متى يرجع. فقالت متى يرجع من روحه بيد غيره و لا يملك لنفسه شيئا. (باب ۱۱) این نقل قول در برخی نسخ مصباح در مورد ابوالدرداء آمده که در منابع تاریخی و روایی یافت نشد، اما با اندکی اختلاف، این سخن از میمونه خواهر «ابراهیم بن احمد خواص» درباره او در تاریخ بغداد آمده است [۱۶، ج ۱۴، ص ۴۲۶].

۲. قال بعض الصحابه لبعضهم: أنتم تنتظرون المطر بالدعاء و أنا انتظر الحجر (باب ۱۹). این جمله در منهاج العارفين غزالی و دیگر منابع به صورت «أنتم تستبطنون المطر و أنا أستبطن الحجر» از قول مالک بن دینار نقل شده است [۲۵، ص ۵۲؛ ۲۸، ج ۳، ص ۵۵۸؛ ۲۷، ص ۲۱۸؛ ۲۹، ج ۲، ص ۲۹۹].

۳. قيل لبعضهم انك ضعيف و ان الصيام يضعفك! قال اني اعده بشر يوم طويل و الصبر على طاعه الله أهون من الصبر على عذابه (باب ۲۰). این مطلب در برخی منابع نیز آمده که روشن می‌کند مقصود صاحب مصباح از «بعضهم»، احنف بن قیس است. برخی از این منابع عبارت‌اند از: [۱۶، ج ۷، ص ۹۶؛ ۷، ج ۲۴، ص ۳۲۳؛ ۲۱، ج ۳، ص ۹۷].

۴. فر من الناس فرارک من الاسد و الافعى، فإنهم كانوا دواء فصاروا اليوم داء (باب ۲۴). این جمله در برخی منابع از ابوسلیمان طایبی نقل شده است [۶، ج ۷، ص ۳۴۵؛

۲۸، ج ۶، ص ۵۵]. همچنین در *احیاء العلوم* این جمله آمده «و قال ابن السماک کتب صاحب لنا: أما بعد، فإن الناس كانوا دواء يتداوى به فصاروا داء لا دواء له، ففرّ منهم فرارک من الأسد» [۲۸، ج ۶، ص ۷۶]، که مشابه برخی فقرات متن *مصباح* است. قائل این سخن از عارفان هم‌عصر ابن سماک است. ابو جعفر محمد بن صبیح سماک از بزرگان صوفیه و در گذشته به سال ۱۸۵ ق. است [۱۶، ج ۱، ص ۱۱۲].

۵. قال ربیع بن خثیم: ان استطعت ان تكون اليوم في موضع لا تعرف و لا تعرف فافعل (باب ۲۴). این سخن ربیع بن خثیم هم در هیچ منبعی مگر به نقل از *مصباح* یافت نشد. در *منهاج العارفين*، این سخن از فضیل نقل شده است [۲۷، ص ۲۲۰].

۶. حکى أن رجلا قال لأحنف بن قيس: اياك أعني! قال و عنك أحلم (أنا منك أعني، قال انا عنك أحلم) (باب ۵۷). این سخن احنف بن قیس نیز در سندی یافت نشد. این کلام به صورت «قال (الرجل) أيها المعرض إياك أعني، فقال: و عنك أعرض» در برخی منابع عرفانی از یزید بن حصین نقل شده است [۳۱، ص ۲۷۳].

۷. قيل لاويس القرني: كيف أصبحت؟ قال: كيف يصبح رجل اذا أصبح لا يدري أيمسى و اذا أمسى لا يدري أيصبح (باب ۷۸). این سخن فقط در *احیاء علوم الدین* غزالی آمده است [۲۸، ج ۶، ص ۶۸].

۸. قيل لربيع بن خثيم: مالك لا تنام بالليل؟ قال لاني أخاف البيات (باب ۸۰). این سخن در هیچ سند شیعی نیامده، اما در برخی منابع اهل سنت وارد شده است [۱، ج ۵، ص ۱۴۳۸ و ۱۵۲۸]؛ و در برخی از این منابع این سخن از عامر بن عبد الله نقل شده [۷، ج ۲۶، ص ۳۴] و در برخی دیگر از عامر بن عبد قیس [۱۱، ج ۱۳، ص ۲۱] و در برخی دیگر از مالک بن دینار [۳۰، ص ۵۲۹].

۹. و من خان الله في السر هتك الله ستره في العلانية (باب ۸۱). این جمله در برخی منابع اهل سنت به نقل از حسن بن علی البامعانی بیان شده [۲۲، ج ۱، ص ۱۵۹] و در برخی منابع از ابو عثمان ذکر شده [۲۲، ج ۱، ص ۲۶۵] و در برخی کتب تاریخی و همچنین عموم کتب تذکره عرفانی از ابو زکریا یحیی بن معاذ رازی نقل شده است [۲، ج ۱۲، ص ۱۴۹؛ ۳، ج ۶، ص ۱۶۵؛ ۳۰، ص ۶۳].

۱۰. قال أبوذر رحمه الله: ذكر الجنة موت و ذكر النار موت، فوا عجا ل نفس تحيي (فيا عجا لمن يحيي) بعد موتين (باب ۸۴). این جمله به نقل از ابوذر در منبعی نیامده، اما در یک منبع عرفانی از یحیی بن معاذ نقل شده است [۱۹، ص ۶۷].

۱۱. قال وهب بن منبه: البلاء للمؤمن كالشكال للدابه و العقال للابل (باب ۹۰). این سخن نیز فقط در برخی از منابع اهل سنت وارد شده است [مانند: ۴، ج ۱، ص ۷۶؛ ۶، ج ۴، ص ۵۶؛ ۸، ج ۹، ص ۳۲۲؛ ۲۱، ج ۴، ص ۱۶۲].
۱۲. قيل لربيع بن خثيم: مالك محزون (مهموما) قال: لاني مطلوب (باب ۹۲). این سخن در هیچ سندی یافت نشد. البته در برخی منابع این سخن را به بشر حافی نسبت می‌دهند [۹، ج ۳، ص ۱۶۹؛ ۲۳، ج ۱، ص ۴۳۱؛ ۲۴، ص ۱۹۶].
- از میان موارد دوازده‌گانه، ۳ مورد از ربیع بن خثیم، دو مورد از ابوذری، یک مورد از احنف بن قیس، یک مورد از اوئیس قرنی و یک مورد از وهب بن منبه و مابقی بدون ذکر ناقل آمده که در مستندیابی، ناقل آن‌ها مشخص شد.
- البته گاهی در میان هشت روایت مستند هم اختلاف در نحوه انتساب قابل مشاهده است. همچنین از موارد ۲۷ گانه نقل‌های عارفان و صحابه، ۱۵ مورد در منابع عرفانی و تاریخی و ... یافت نشد و همگی، در نقل مصباح متفرد هستند.
- این موارد پانزده‌گانه عبارت‌اند از:
۱. حکي ان ربيع بن خثيم كان يسهر بالليل الى الفجر في ركوع واحد (ركعه واحده)، فاذا أصبح يرفو و قال أوه سبق المخلصون و قطع بنا (باب ۱۵ الركوع).
 ۲. و كان ربيع بن خثيم: يضع قرطاسا بين يديه فيكتب كل ما يتكلم به ثم يحاسب نفسه في عشيته ماله و ما عليه و يقول آه آه نجا الصامتون و بقينا (باب ۲۷ الصمت).
 ۳. و قال وهب بن منبه: في كتب الاولين مكتوب: يا قناعه العز و الغنى معك، فاز من فاز بك (باب ۲۸ الراحه).
 ۴. قال ابو الدرداء رضی اللہ عنہ: ما قسم اللہ لی لا يفوتنی و لو كان فی جناح ریح (باب ۲۸ الراحه).
 ۵. و قال أبوذری رضی اللہ عنہ: هتك ستر من لا يثق به و لو كان محبوسا فی الصم الصياخيد (الصلاخيد) (باب ۲۸ الراحه).
 ۶. قال عبد اللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ لرجل نظر الى امرأه قد عاها فی مرضها: لو ذهبت عيناك لكان خيرا لك من عياده مريضك (باب ۴۲ غض البصر).
 ۷. قال بعض - الحكماء: احفظ لسانك عن خبيث الكلام و فی غيره لا تسكت ان استطعت (باب ۴۶ الكلام).
 ۸. بلغنی انه سئل كعب الاحبار ما الأصلح فی الدين و ما الافسد؟ فقال: الأصلح الورع و الافسد الطمع. فقال له السائل صدقت يا كعب (باب ۵۲ الطمع).

۹. و قيل لمحمد بن الحنفية من ادبک؟ قال (فقال) ادبني ربي في نفسي فما استحسنته (استحسنت) من اولي الالباب و البصيره تبعثهم به و استعملته و ما استقبحته (استقبحت) من الجهال اجتنبته و تركته مستنفرا (مستقرا، مستيقنا)، فأوصلني ذلك الى كنوز العلم (طريق كنوز العلم) (باب ۵۹ الاقتداء).

۱۰. قال سفیان بن عیینہ: كيف ينتفع بعلمی غیري و أنا قد حرمت نفسي نفعها (باب ۶۳ الفتيا).

۱۱. قال زيد بن ثابت لابنه: يا بني لا يرى الله اسمك في ديوان القراء (باب ۶۶ آفه القراء).

۱۲. قالت (قال) الحكماء: خذ الحكمه و لو من أفواه المجانين (الحكمه من افواه) (باب ۷۲ الموعظه).

۱۳. قال أبوذر رضي الله عنه: أصبحت أشكر ربي و أشكو نفسي (باب ۷۸ تبيجيل الاخوان).

۱۴. قال ابي بن كعب: اذا رأيتم أحد اخوانكم في خصله تستتكرونها منه فتأولوها سبعين تأويلا، فان اطمأنت قلوبكم على أحدها و الا فلوموا أنفسكم، حيث لم تعذروه في خصله يسترها عليه سبعون (يسرها عليه سبعين) تأويلا، فانتم أولى بالانكار على أنفسكم منه (باب ۸۵ حسن الظن).

۱۵. قال اويس لهرم بن حيان: قد عمل الناس على الرجاء، فقال بل (تعال) نعمل على الخوف (باب ۸۸ الخوف و الرجاء).

از این تعداد دو مورد از ربیع بن خثیم، یک مورد از وهب بن منبه، یک مورد از ابوالدرداء و دو مورد از ابوذر، یک مورد از عبدالله بن مسعود، یک مورد از کعب الاحبار، یک مورد از محمد بن حنفیه، یک مورد از سفیان بن عیینه، یک مورد از زید بن ثابت، یک مورد از ابي بن کعب و یک مورد از اويس قرنی و دو مورد بدون ناقل آمده است. گزارش آماری این بخش در جدول شماره ۴ می‌آید.

جدول شماره ۴. فهرست موارد استناد اقوال غیر معصومان در متن کتاب

تعداد	مستند	غیر مستند
۲۷	۱۲ (۴۵٪)	۱۵ (۵۵٪)

نتیجه

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد در کتاب مصباح الشریعه در مجموع از میان ۲۱۳ حدیثی که از معصومان نقل شده، ۶۸ روایت در منابع دیگر نقل شده که قریب به ۳۲

درصد از کل احادیث کتاب را شامل می‌شود؛ و مابقی موارد در نقل مصباح‌الشریعه متفرد است که ۶۹ درصد روایات را تشکیل می‌دهد.

همچنین از مجموع ۲۷ نقل از غیر معصومان، ۱۲ مورد (۴۵٪) مستند است و ۱۵ مورد (۵۵٪) نیز در کتابی یافت نشد.

همچنین در مجموع منقولات کتاب اعم از حدیث و غیر حدیث، ۸۰ مورد مستند است که ۳۳ درصد کل منقولات را تشکیل می‌دهد و ۱۶۰ مورد غیر مستند است که ۶۷ درصد کل منقولات را تشکیل می‌دهد. آمار کلی در مورد منقولات مصباح‌الشریعه در جدول شماره ۵ می‌آید.

جدول شماره ۵: فهرست موارد استناد اقوال غیر معصومان در متن کتاب

ردیف	مقوله	تعداد کل	استناد	
			مستند	غیر مستند
۱	احادیث	۲۱۳	۶۸ مورد (۳۱٪)	۱۴۵ مورد (۶۹٪)
۲	اقوال غیر معصومان	۲۷	۱۲ مورد (۴۵٪)	۱۵ مورد (۵۵٪)
	مجموع	۲۴۰	۸۰ مورد (۳۳٪)	۱۶۰ مورد (۶۷٪)

ناشناخته بودن نگارنده مصباح‌الشریعه ما را بر آن داشت تا در پژوهش حاضر، محتوای آن را به منابع اصیل روایی و تاریخی و عرفانی عرضه داریم، تا عیار اعتبار استنادهای آن که قدم اول در تحلیل یک حدیث است به دست بیاید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد آن طور که از متن مصباح‌الشریعه برمی‌آید، اعتماد به انتساب صد باب این کتاب به امام صادق^(ع) بسی دشوار و بلکه ناممکن است؛ که چرایی چنین اتفاقی در انتساب همه ابواب به امام مجال مستقلی می‌طلبید؛ علاوه بر آن، عدم ذکر ۴۰ درصد از احادیث متن کتاب و ۵۵ درصد منقولات غیر معصومین در منابع دیگر و همچنین اختلاف در انتساب روایات و منقولاتی که در منابع دیگر آمده، ما را بر آن می‌دارد تا در مورد هرگونه نقل قول از این کتاب و انتساب مطالب به افرادی که در این کتاب آمده کمال احتیاط را به عمل آوریم.

منابع

- [۱]. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم؛ تفسیر ابن ابی حاتم، چاپ سوم، عربستان سعودی، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- [۲]. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۴۱۲). المنتظم فی تاریخ الامم والملوک. تحقیق: محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، جلد ۱۲، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۳]. ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد بن شهاب (؟). وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان. تحقیق: إحسان عباس، جلد ۶، لبنان، دارالثقافه.
- [۴]. ابن سعد، ابوعبدالله (؟). الطبقات الکبری. جلد ۱، لبنان، بیروت، دار صادر.
- [۵]. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹). إقبال الأعمال؛ الإقبال بالأعمال الحسنه. تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۶]. ابن عبدالله اصبهانی، ابونعیم احمد (؟). حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء. جلد ۴ و ۷، قاهره، دار ام القراء للطباعه و النشر.
- [۷]. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه‌الله (۱۴۱۵). تاریخ مدینه دمشق. جلد ۲۴، لبنان، بیروت، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
- [۸]. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸). البدایه و النهایه. لبنان، بیروت، دار احیای التراث العربی.
- [۹]. امین، سیدمحسن (؟). اعیان الشیعه. جلد ۳، لبنان، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- [۱۰]. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. قم.
- [۱۱]. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۵۹). انساب الاشراف. تحقیق: محمد حمیدالله، جلد ۱۳، معهد المخطوطات بجامعه الدول العربیه باشتراك مع دار المعارف بمصر.
- [۱۲]. پاکتچی، احمد (۱۳۸۸). مباحثی در علل الحدیث به ضمیمه بازشناسی متن مصباح الشریعه. تهران، انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق (ع).
- [۱۳]. جعفر بن محمد، امام صادق (۱۳۶۰). مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، مترجم: حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- [۱۴]. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران، سمت.
- [۱۵]. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. جلد ۸، قم، موسسه آل‌البیت (ع).
- [۱۶]. خطیب بغدادی، احمد بن علی بن ثابت (۱۴۱۷). تاریخ بغداد. مجلدات ۱، ۷ و ۱۴، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۱۷]. خمینی، روح‌الله الموسوی (۱۴۱۵). المکاسب المحرمه. جلد ۱ و ۲، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- [۱۸]. رایف، دانیل و همکاران (۱۳۸۱). تحلیل پیام‌های رسانه‌ای؛ کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق. مترجم: مهدخت بروجرودی علوی، تهران، سروش.

- [۱۹]. رفاعی، احمدبن علی (۱۴۲۵). *حاله أهل الحقیقه مع الله تعالی*. محقق / مصحح: احمد فرید المزیدی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۲۰]. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲). *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران، شرکت سهامی انتشار.
- [۲۱]. زمخشری، محمودبن عمر بن محمد بن ابوالقاسم (۱۴۱۲). *ربیع‌الابرار و نصوص الاخبار*. جلد ۳ و ۴، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
- [۲۲]. سلمی، ابوعبدالرحمن محمد بن الحسین. (۱۴۲۱). *تفسیر السلمی*. جلد ۱، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۲۳]. _____ (۱۳۶۹). *مجموعه آثار السلمی*. جلد ۱، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- [۲۴]. سمعانی، شهاب‌الدین ابوالقاسم احمد بن المظفر (۱۳۸۴). *روح الأرواح فی شرح أسماء الملك الفتح*. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۲۵]. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۱). *الجامع الصغیر*. لبنان، بیروت، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
- [۲۶]. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۹). *منیه‌المزید فی آداب المفید و المستفید*. تحقیق: رضا المختاری، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- [۲۷]. غزالی، ابو حامد محمد بن محمد (؟). *احیاء علوم‌الدین*. محقق: عبد الرحیم بن حسین حافظ عراقی، جلد ۳ و ۶، بیروت، دارالکتب العربی.
- [۲۸]. _____ (۱۴۱۶). *مجموعه رسائل الإمام الغزالی*. لبنان، بیروت، دارالفکر.
- [۲۹]. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۷). *المحججه‌البیضاء فی تهذیب‌الاحیاء*. مصحح: علی‌اکبر غفاری، جلد ۱ و ۲، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- [۳۰]. قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم (۱۳۷۴). *الرساله‌القشیریہ*. محقق: عبدالحلیم محمود و محمود بن شریف، قم، انتشارات بیدار.
- [۳۱]. قیسرانی، محمد بن طاهر (۱۴۲۷). *صفوه‌التصوف*. محقق: ابوعلی‌اللطیف، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۳۲]. کریپندورف، کلوس (۱۳۸۳). *تحلیل محتوا؛ مبانی و روش شناسی*. مترجم: هوشنگ نایی، تهران، نی.
- [۳۳]. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). *بحار‌الانوار الجامعه لدرر اخبار‌الائمہ الاطهار*، مجلدات ۱ و ۵۳، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۳۴]. محمدی، اصغر و دیگران (۱۳۹۶). «تبار شناسی کتاب مصباح الشریعه». *مطالعات عرفانی*، کاشان، شماره ۲۵، بهار و تابستان، صص ۳۶-۵.
- [۳۵]. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل*. جلد ۱، قم، موسسه آل‌البتیت.
- [۳۶]. هولستی، آل - آر (۱۳۷۳). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*. مترجم: نادر سالارزاده امیری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

